

# تحلیل نقش و کارکرد مکان‌های نمادین شهرها در تحولات سیاسی مطالعه موردی: میدان التحریر مصر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۵

سید هادی زرقانی<sup>۱\*</sup>

جهانگیر حیدری<sup>۲</sup>

منیر یاری<sup>۳</sup>

## چکیده

مکان، بخشی از فضای جغرافیایی و در واقع، بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است. هر مکان با توجه به ویژگی‌ها، کارکردها و تاریخچه آن، دارای هویتی خاص و منحصر به فرد است؛ در این میان برخی مکان‌ها به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند یا سابقه و تحولات ویژه‌ای که در آنها اتفاق افتاده است، هویتی نمادین پیدامی‌کنند و این هویت و جلوه نمادین آنچنان در ذهن و خاطره مردم ماندگار می‌شود که به راحتی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ برای نمونه، میدان آزادی در تهران و کلیسای جامع مسیحی منجی در مسکو به عنوان نماد «تعصب، وفاداری و عشق بی‌نظیر به آیین و سرزمین اجدادی» نمونه‌ای از مکان‌های نمادین هستند که نقشی بارز در نمادسازی و برانگیختن احساسات ملت داشته‌اند. میدان تحریر، بزرگ‌ترین میدان قاهره است که در مرکز این شهر و در شرق رود نیل واقع شده است. به دلیل نظام دیکتاتوری مسلط بر این کشور طی سه دهه گذشته، مجالی برای ابراز وجود ملت مصر در قالب تجمع‌های سیاسی وجود نداشته است؛ با وجود این، میدان تحریر در دو یا سه مقطع زمانی محدود، کارکرد سیاسی داشته است. انقلاب مردمی ملت مصر در سال ۲۰۱۱، به سرعت میدان تحریر را به کانون تجمع معترضان و مخالفان حکومت تبدیل کرد، به طوری که در اندک زمانی، نام «میدان تحریر» نه تنها در میان مردم مصر بلکه در سراسر جهان به نماد و سمبلی برای مبارزه ضد حکومت و طرح مطالبات سیاسی تبدیل شد تا جایی که معترضان جنبش وال استریت، نام خیابان وال استریت را به میدان تحریر آمریکا و معترضان لندن، نام میدان معروف «ترافالگار» را به میدان التحریر تغییر دادند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین دلیل و چرایی تبدیل شدن میدان تحریر قاهره به عنوان یک مکان با کارکرد سیاسی و سمبل و نماد مبارزه ضد حکومت است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند، عواملی مانند ایفای نقش مرکزیت در جریان تحولات سیاسی گذشته، غلبه هویت سیاسی این مکان بر سایر کارکردهای اجتماعی، ارتباطی و ...، عاملیت مرکزیت و دسترسی آسان، تراکم جمعیت خیابان‌های منتهی به این میدان، تلقین و تزریق روح کارکرد سیاسی از جانب رسانه‌ها به کالبد این مکان و ... در شکل‌گیری این روح و تقویت کارکرد سیاسی میدان تحریر دخیل بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** مکان‌های نمادین شهری، کارکرد سیاسی میادین، میدان التحریر مصر، انقلاب مردمی.

۱. \* . دانشیار جغرافیای سیاسی. دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول: h-zarghani@um.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران.

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران مرکز.

## مقدمه

فعالیت انسان در فضا، مکان‌های معین و منحصربه‌فرد را در سطح زمین اشغال می‌کند که هریک دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اختصاص‌های خاص خود است (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۹)؛ یعنی بار احساسی مکان با ساختار محلی احساس، مرتبط است و دربرگیرنده محل‌هایی مختلف نظیر خانه، محل کار، مدرسه و کلیسا، بازار، میدان و سایر اماکنی است که فعالیت‌های انسان، حول آنها صورت می‌گیرد. از تلفیق ساختار محلی و نوع فعالیت انسانی، احساس مکانی به وجود می‌آید که دارای دو بعد جغرافیایی و اجتماعی است (مویر، ۱۳۷۹: ۳۴)؛ بنابراین در فضای یک کشور مکان‌های عمومی متعددی مانند موزه‌های ملی، ابنیه‌های تاریخی، اماکن مذهبی و ... وجود دارند که مکان‌هایی بسیار حساس و کلیدی برای هر ملت‌اند، چراکه نمادی از ملت را به مردم خود و جهان پیرامون ارائه می‌کنند (جونز و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۰)؛ برای نمونه، برج آزادی تهران، برج العربی دبی، برج ایفل پاریس، برج پیزای ایتالیا، برج‌های دوقلوی کوالالامپور و ... چنان با شکوه و پرمحتوا ساخته شده‌اند که از حد شهرها فراتر رفته، جهانیان، کشور خاص را با آن نماد و المان در ذهن تداعی می‌کنند (لطفی، ۱۳۹۱: ۶۲).

همچنین مکان، حاوی نمادهایی است که در سختی‌ها و خوشی‌های افراد قرارداد شده‌اند بنابراین مکان در اینجا در قالب یک مفهوم انتزاعی، بیانگر مجموعه‌ای در حال رشد از تجربیات و معانی مشخص است که فرد آنها را در طول زندگی خود از موقعیت‌های مختلف جمع‌آوری می‌کند (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۲). از آنجا که ایجاد اتحاد و برقراری انسجام دولت، کارکرد اصلی یک پایتخت ملی است، پایتخت‌ها مرکزی می‌شوند، برای اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی که دارای تأثیرهای ملی‌سازی هستند (احمدی‌پور، ۱۳۸۶: ۸)؛ بنابراین در پایتخت‌ها باید به مکان‌هایی مشخص که معنایی خاص برای ملت دارند، اشاره کرد. نقاط و ویژگی‌های خاص تاریخی و جغرافیایی یک ملت که به مکان‌هایی خاص، ارزش و معنایی متفاوت و ویژه می‌بخشند، بسیار حائز اهمیت‌اند و مورد توجه قرار می‌گیرند؛ برای نمونه، میدان آزادی در تهران و همچنین کلیسای جامع مسیحی منجی در مسکو به عنوان نماد «تعصب، وفاداری و عشق بی‌نظیر به آیین و سرزمین اجدادی» و گنبد هزاره در لندن که نماد «بهترین‌های بریتانیا و همه خوبی‌های تاریخ دوران این سرزمین» است، نمونه‌هایی از مکان‌هایی نمادین هستند که نقشی بارز در نمادسازی و برانگیختن احساسات ملت‌ها دارند (جونز و

همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

در جریان انقلاب مردمی ملت مصر، میدان «التحریر» قاهره به سرعت به محل اعتراض‌های مردم مصر ضد نظام سیاسی و به نماد و سمبل مبارزه برای دستیابی به مطالبات سیاسی تبدیل شد. «التحریر» به معنای آزادسازی یا نجات، بزرگ‌ترین میدان قاهره است که در مرکز این شهر قرار گرفته و کارکرد ارتباطی مطلوبی دارد، اما کارکرد سیاسی میدان تحریر از آنجا آغاز شد که در سال ۱۹۷۷ و در پی افزایش بهای مواد خوراکی، تظاهراتی در این میدان به وقوع پیوست؛ همچنین تظاهراتی در سال ۲۰۰۳ میلادی در اعتراض به حمله آمریکا به عراق در این میدان برپا شد؛ لیکن در جریان انقلاب ۲۰۱۱ مصر، میدان التحریر به سرعت به مکانی نمادین برای مبارزه ضد حکومت حسنی مبارک تبدیل شد و کارکرد سیاسی ویژه‌ای پیدا کرد؛ این سمبل‌سازی فقط مخصوص ملت مصر نبود بلکه حتی در پی اعتراض‌های مردم اروپا، استرالیا و آمریکا در برابر وال استریت، بسیاری از مردم در نیویورک نام خیابان وال استریت را «میدان التحریر آمریکا» خطاب کردند و همچنین بسیاری از مردم لندن نیز میدان معروف لندن، یعنی میدان ترافالگار را به نام میدان التحریر نامیدند. این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب، مقالات، روزنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی و ... گردآوری شده است. این پژوهش به دنبال تبیین دلیل و چرایی تبدیل شدن میدان التحریر به عنوان یک مکان با کارکرد سیاسی و سمبل و نماد مبارزه ضد حکومت است. مفروض این مقاله، آن است که عوامل و متغیرهایی مانند عامل مرکزیت و دسترسی، سوابق تاریخی و سیاسی، نقش رسانه‌ها و فضای کالبدی، ویژگی‌های جمعیتی، موقعیت و کارکرد پایتخت مصر و ... در تبدیل میدان تحریر به نماد اعتراض و قانون تجمع مخالفان حکومت و درخواست مطالبات سیاسی نقش داشته‌اند.

## الف - تعریف مفاهیم و مبانی نظری

### ۱- تعریف مفاهیم

یکی از مهم‌ترین ارکان در پژوهش‌های موجود در علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی، ارائه تعاریف مختلف و گاه متضاد از اصطلاح‌های مورد استفاده در کالبد تحقیق است. از آنجاکه برخلاف علوم تجربی در حوزه علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی، تعریفی واحد که مورد توافق همگان باشد برای اصطلاح‌های خاص رشته‌های مختلف این حوزه به‌خصوص در جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی

و ... ارائه نشده است، همین امر باعث می‌شود که پیش از پرداختن به یک مطلب، نویسنده ابتدا با ارائه معمول‌ترین و گیراترین تعاریف درخصوص واژه‌هایی که به صورت کلیدی در تحقیق به کار گرفته شده‌اند، به آسان‌سازی فهم اصطلاح‌ها برای خواننده اقدام کند؛ به همین دلیل در ادامه به تعریف مفاهیمی مانند نماد، مکان نمادیک، مکان، میدان و ... پرداخته می‌شود.

۱-۱- **تعریف و مفهوم نماد:** نماد یک اصطلاح است، اصطلاحی که بار معنایی اش بسیار فراتر از معنای قراردادی و روزمره اش است و کیفیتی روانی را بیان می‌کند (فوردهام، ۱۳۴۶: ۴۰). نماد اندیشه آدمی را برمی‌انگیزد و انسان را به فراخنای تفکر بدون گفتار می‌کشاند و درواقع، کوشش بشر برای یافتن و تجسم مفاهیمی است که از ورای ابهام‌ها و تخیلات و تاریکی‌ها او را احاطه کرده‌اند (بهزادی، ۱۳۸۰: ۵۲). نماد، بیانگر مفاهیم فرهنگی و تاریخی برجسته‌ای است که از طریق آنها می‌توان به فرهنگ و افکار گذشتگان پی‌برد. نمادها را می‌توان برابر با اسطوره‌ها، تصاویر، مظاهر، نشانه‌ها و تمامی جنبه‌های ظاهری و نمادین میراث مادی و معنوی و حامل‌های معنایی دانست که مواردی از قبیل «تصاویر ذهنی و عینی، داستان‌ها و نگارش‌های تاریخی، ادبیات، فولکور، زبان، ساختمان‌ها، آثار، مراکز و ابنیه‌های تاریخی، مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، شاهکارهای معنوی و فعالیت‌های خلاق هنری» را دربرمی‌گیرند (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۹۳). انسان از راه نماد یا نشانه با هستی، طبیعت، نوع خود و خویشتن خود سخن می‌گوید؛ این گفتگوها، بی‌وساطت نماد، هرگز مقدور نمی‌بود؛ از همین استعداد نشانه‌سازی است که نوع آدمی می‌تواند معنای تمامیت ارضی سرزمین مادری خود را به قطعه‌ای پارچه رنگین منتقل کند و هزاران کیلومتر دور از وطن در کنار آن نماد و متأثر از احساسات متضاد به هیجان آید و فریاد شادی برکشد یا از سر دلتنگی بگریزد (وزیرنیا، ۱۳۸۱: ۶۴)؛ منشأ، نماد دو نوع است: نمادها روابطی، به‌طور کامل قراردادی هستند یا اینکه روابطی نهادینه شده‌اند که در طول زمان پذیرش عام پیدا کرده‌اند. در هر دو مورد، نمادها روابط مدنظر خود را در قالبی کوچک، اشاره‌ای، تصویری، کنایه‌ای، حرکتی و کلامی ارائه می‌کنند؛ درحقیقت، ارزش نماد نیز به دلیل همین کارکرد آن است، نمادها مظاهر و نشانه‌هایی عینی‌اند که منعکس‌کننده احساس و شیوه‌های رفتار آدمی هستند؛ به عبارت دیگر، بشر برای نشان دادن خواسته‌های درونی خویش از نمادها استفاده می‌کند، نمادها، رفتارها و هدف‌ها را هدایت می‌کنند (بهمنی و صفاران، ۱۳۸۹: ۱۸).

از نظر «دریدا» نماد و نشانه‌ها، واسطه میان انسان و واقعیت‌اند (Berten, 1995: 7). نشانه‌ها انواعی گوناگون داشته، به روش‌هایی مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند. مشهورترین تقسیم‌بندی از سوی پیرس

ارائه شده است. در این تقسیم‌بندی، نشانه‌ها در سه دسته نمادین، نمایه‌ای و شمالی طبقه‌بندی می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۱۵۳). از میان سه نوع نشانه یادشده، نوع نمادین دارای اهمیتی ویژه در دانش جغرافیای سیاسی است، زیرا از آنجاکه انتزاعی بودن ارزش‌ها سبب عدم درک کامل شرایط واقعی می‌شود، نمادها برای افراد، معانی خاصی پیدامی‌کنند و در واقع، تجسم ارزش‌ها می‌شوند. از طریق نمادها، ارزش‌ها از شکل انتزاعی خود خارج می‌شوند و به صورت ملموس و عینی درمی‌آیند. نمادها به عنوان ابزارهای ارتباطی می‌توانند زمینه‌های هویت مشترک و یکپارچگی را در میان گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها فراهم‌کنند. مهم‌ترین کارکرد نمادها خصوصیت تجهیزاتی آنهاست؛ بدین معنا که بهره‌مندی نظام سیاسی از قابلیت بالای نمادین سبب می‌شود که توانایی تجهیزاتی آن در شرایط جنگ و صلح افزایش یابد و نظام بتواند بر قابلیت و ظرفیت تجهیز منابع مادی و معنوی محیط داخلی و بین‌المللی برای پاسخگویی بیشتر به نیازهای واقعی مردم خود بیفزاید (قوام، ۱۳۸۹: ۲۸۲)؛ بنابراین ارتباط و انتقال پیام، شکلی از کنش اجتماعی است که قدرتی نمادین دارد (تامپسون، ۱۳۸۰: ۲۱)؛ در این راستا به نظر می‌رسد که مکان‌های تاریخی، مسلط و مشهور از جمله صوری نمادین هستند که با داشتن قدرت نمادین در بازتولید، جهت‌دهی، بازنمایی، زنده‌سازی هویت مکانی و تأثیرگذاری بر افراد و جوامع که در نهایت به بسیج شهروندان ختم می‌شوند و دارای اهمیتی بسیارند. به نظر می‌رسد یک مکان مؤثر در صورتی که بار سیاسی و ایدئولوژیک داشته باشد به عاملی در جهت تجلی و بازنمایی ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌ها تبدیل شده، صورت نمادین به خود می‌گیرد؛ در واقع، ممکن است به نماد همان ایدئولوژی یا اندیشه تبدیل شود.

#### ۲-۱- مفهوم نماد جغرافیایی: نماد جغرافیایی در واقع یک شاخص مکانی-فضایی و نشانه‌ای

برای بازتاب فرهنگ، تاریخ و ارزش‌ها و شکل‌دهنده هویت است (bonnemaison, 2005: 45)؛ این مکان می‌تواند مکانی مقدس مانند مسجد باشد، مکانی قابل رؤیت و بلندمرتبه مانند برج ایفل یا مکانی باشد که یک فضای روحانی را در حافظه تاریخی خود دارد (فیاض و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). حافظه تاریخی بر بستر فضا حرکت می‌کند؛ به عبارت دیگر، محور زمانی در رابطه‌ای پیوسته با محیط فضایی قرار می‌گیرد و به نوبه خود، آن را تغییر داده، بر آن معناگذاری، نمادگذاری و نشانه‌گذاری می‌کند. فضاهای شهری، محله‌ها و شهرها در کلیت خود، منطقه‌های ملی یا بین‌المللی بدین ترتیب به پهنه‌هایی بدل می‌شوند که می‌توان آنها را «مکان‌های حافظه» نامید؛ این مکان‌ها در بسیاری از موارد به صورت‌های مختلف، هنجارمند می‌شوند. نام‌هایی که بر کشورها، مناطق، شهرها، محله‌ها، میدان‌ها،

خیابان‌ها، ایستگاه‌های مترو و اتوبوس‌های شهری، بناهای اداری، آموزشی، کاری، و بناهای علمی و تفریحی شهر گذاشته می‌شوند و تحولی که این نام‌ها در طول تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی پیدامی‌کنند تا اندازه‌ای بسیار، حافظه تاریخی یک پهنه را مشخص می‌سازند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

نمادهای جغرافیایی، قلمرو و محدوده یک سرزمین را به وسیله «نشانه‌ها» نمایان می‌سازند که در آن قلمرو یا سرزمین نگاره‌شناسی یا شمایل‌شناسی را روی زمین بنامی‌نهند؛ بنابراین نمادهای جغرافیایی، مرزهای یک قلمرو (انسانی) را نشان می‌دهند، به آن روح می‌دمند، به آن قلمرو و معنا می‌بخشند و ساخت می‌دهند؛ همچنین، نمادهای جغرافیایی قادرند برای یک مکان، محل یا موقعیتی، نقطه اتکا باشند و از چیزی که از آن ساطع و ناشی می‌شود، قدرت و نیرویی بگیرند (bonnemaison, 2005: 45). مشاهده نماد یک سرزمین در اذهان دیگر فرهنگ‌ها، در سطح جهان نیز تأثیرگذار است. یک نماد علاوه بر اینکه در محدوده ملی یک سرزمین شناخته شده است، در سطح جهانی نیز قابل شناسایی و عامل تفکیک از سایر فرهنگ‌هاست. درج و گنجاندن نماد یک سرزمین و ناحیه فرهنگی در کتاب‌ها، بروشورهای تبلیغاتی، فیلم‌ها و امروزه نیز از طریق فناوری‌های ارتباطی جدید مانند اینترنت بر «شناخته شدن، اثرگذاری و تأکید بر آن»، موجب پذیرش نماد خاص در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی شده است؛ بنابراین آن نماد به نشانه‌ای از یک سرزمین یا فرهنگ خاص تبدیل می‌شود. نشانه‌هایی مانند اژدها و پاندای چین، برج ایفل فرانسه، بیگ بن انگلستان، اهرام ثلاثه مصر، همگی نشانه‌هایی از کشورهای یادشده‌اند؛ البته باید گفت که این نشانه‌ها با معناسازی که از آنها می‌شود، معنادار می‌شوند و در پس نشانه‌های فیزیکی و عینی، «ذهن آدمی» به تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و هویت هدایت می‌شود که فراتر از یک نشانه و نماد است (فیاض و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۶). از جمله عناصر مهم هویت بخشی شهرها نمادها هستند که به صورت شناسنامه‌ای گویا از گذشته و حال شهر، نقش اصلی را در معرفی آن به مخاطب برعهده دارند. نمادها و المان‌های شهری از جمله بناهای مهم در طراحی معماری و طراحی شهری محسوب می‌شوند، به نحوی که گاه حتی از خود شهر پراهمیت‌تر جلوه می‌کنند. چراکه بیانگر هویت، شخصیت و عصاره شهر در یک ساختار نمایان هستند. بررسی و مطالعه درخصوص این نمادها نشان می‌دهد که بیان این نوع بناها برپایه مفاهیم، سنت‌ها، فرهنگ، هویت و تاریخ شهر، استوار شده است (لطفی و محمدی، ۱۳۹۱: ۶۴).

۱-۳- مکان به عنوان بخشی از فضای جغرافیایی: در فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد (۱۹۹۷:

۳۲۷)، واژه مکان، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده است که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل گرفته، رشد یافته‌اند. مدنی پور (۱۳۷۹: ۳۲)، مکان را بخشی از فضا و دارای بار ارزشی و معنایی می‌داند و افسار نادری، آن را نتیجه بهمکنش سه مؤلفه رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های فیزیکی تصور می‌کند (محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۸). ولش (۱۹۹۰) جغرافیا را «علم کشف ارتباط میان زمین و ساکنان آن، به‌واسطه مطالعه مکان، فضا و محیط» تعریف می‌کند و آبلر (۱۹۹۲)، موضوع اصلی و مرکز ثقل جغرافیا را بر ویژگی‌های مکان‌ها و عملکرد متقابل فضای تغییردهنده آنها» قرار می‌دهد در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان، بخشی یا قسمتی از فضا است که به‌وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و بار ارزشی و معنایی دارد (پوراحمد، ۱۳۸۸: ۸۰).

مکان، بافتی مناسب برای شکل‌گیری هویت‌های سیاسی و بازشناسی علایق سیاسی فراهم می‌سازد و بدین لحاظ، فعالیت‌های سیاسی را می‌توان حول محور مکان، سازماندهی و تجهیز کرد. هر مکانی از طریق جریان‌های گسترده تری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ساخته می‌شود؛ به عبارت دیگر، به‌طور عمومی، اعتقاد بر این است که قدرت در چارچوب مکان پی‌ریزی می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در این زمینه، مارتین جونز و همکاران (۱۳۸۶) معتقدند که هر مکان را می‌توان به‌عنوان نقطه‌ای خاص و منحصر به فرد تلقی کرد که در حقیقت، محل تقاطع جریان‌هایی مختلف است، خواه این مکان، یک خیابان باشد یا منطقه یا حتی یک قاره؛ پس مکان نقطه تلاقی است؛ در نتیجه، مکان حائز اهمیتی خاص در تحلیل‌های سیاسی است، چراکه روش‌های متفاوت به‌وجود آوردن این تقاطع‌ها و حضور بازیگران مختلف با ترکیب‌هایی خاص از روابط در مکانی خاص، دارای پیامدها و آثار سیاسی هستند؛ به همین دلیل، مسی (۱۹۹۴) بر این باور است که لازم نیست یک مکان، مقیاسی خاص و مشخص داشته باشد، بلکه می‌تواند هر چیزی، از خیابان تا حتی یک قاره را دربرگیرد (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

مکان، بخشی از فضای جغرافیایی و در واقع، بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است که به‌عنوان دومین جریان شاخص کلیدی جغرافیا، فضا را از تفاسیر، ارزش‌ها و هیجان پرمی‌کند. مکان‌ها بخشی از جهان واقعی‌اند که هر شخصی در آنها زندگی می‌کند و توسط افراد جامعه شناخته، تفسیر، تقدیس و مدیریت می‌شوند (پوراحمد، ۱۳۸۸: ۸۰). تفاوت مکان‌ها تنها به ویژگی‌های فیزیکی و مختصات طبیعی آنها نیست، بلکه ویژگی‌های انسانی، فرهنگی و تاریخی هستند که به هر مکانی، هویت خاص

خودش را می‌بخشند و این هویت به مردم ساکن مکان‌ها منتقل می‌شود (پوراحمد، ۱۳۸۸: ۸۰). هر مکان، شامل سه جزء اساسی است که عبارت‌اند از: ۱- «محل» که دربرگیرنده کوچک‌ترین محدوده-هایی است که روابط اجتماعی در آنها شکل می‌گیرند؛ ۲- «موقعیت»، منطقه‌ای جغرافیایی که محل‌ها را دربرمی‌گیرد و درون آن، تعامل‌های گسترده‌تر میان اعضای جامعه برقرار می‌شوند و ۳- «بار احساسی مکان یا درک مکان» که با ساختار محلی احساس ارتباط دارد و دربرگیرنده محل‌هایی مختلف نظیر خانه، محل کار، مدرسه، مسجد و ... است که فعالیت‌های انسان، حول آنها صورت می‌گیرد. از تلفیق ساختار ملی و نوع فعالیت انسانی، بار احساسی مکان به وجود می‌آید که دارای هر دو بعد جغرافیایی و اجتماعی است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۶۷۳)؛ نیز مکان‌های شهری، همراه با مجموعه‌های فیزیکی و کالبدی آن، نوعی نمادند که علاوه بر کارکردها و عملکردهایی خاص که هریک از سازه‌های شهری دارند، ناظر بر معنی‌شناسی شهری نیز هستند؛ از طرف دیگر، هریک از این فضاها، عملکردها و مکان‌های شهری، تابع خصوصیات فرهنگی و اجتماعی هستند که به آنها هویت و معنی می‌بخشند (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۸۹)؛ با این وصف، «اماکن و فضاها شهری» علاوه بر بعد مادی، بعد غیرمادی نیز دارند و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کنند و به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد می‌شود که به شکل‌گیری هویت مکانی می‌انجامد؛ این نیروی معنوی، حس مکان نامیده می‌شود (احمدی پور، ۱۳۹۰: ۴۷)؛ بنابراین، چهره و مبلمان شهری و کالبد فضایی و فیزیکی شهر، اعم از خیابان‌ها و کوچه‌ها و اسامی آنها، میداين و مساجد و ابنیه تاریخ و ... هریک به نوبه خود باید شهر و مردم شهر را معنی‌کند؛ آن زمان است که بازتاب‌های تأثیر این اماکن یا نمادهای آنان با کارکردهایی از قبیل تقویت تبادل نظر و اطلاع‌رسانی، انسجام و تفویض و تزریق احساس قدرت و توانایی به جمعیت‌های معترض، تداعی کردن فداکاری و ایثارها و حماسه-های شکل گرفته در آن مکان و روحیه‌بخشی به معترضان، در رفتار و کردار شهروندان جایگاهی ویژه می‌یابد.

۱-۴- میدان به عنوان بخشی از فضای شهری: شهر، موجودی زنده است که با سایر اندام‌های جامعه پیوند دارد و هرگونه کاستی و بیماری در اجزا و فضای این پدیده، به‌طور مستقیم به سایر پدیده‌های اجتماعی انتقال می‌یابد و کل این ارگانیزم زنده را بیمار و مضمحل خواهد کرد (وحدتی اصل، ۱۳۸۰: ۴)؛ با این توصیف، این نظر که فضاها «به‌خصوص فضاها شهری» بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او به‌کار گرفته شوند امری پذیرفتنی است (طاهرخانی، ۱۳۸۱:



۸۸؛ در این میان، میدان به‌عنوان یک فضای شهری در گذشته، نقشی بسیار مهم در حیات اجتماعی و شهری داشته، مهم‌ترین مرکز انواع تجمع‌های حکومتی، مردمی، نظامی، گذران اوقات فراغت و به‌ویژه اغلب، یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع‌های مذهبی به‌خصوص از دوره صفویه به بعد بوده‌است. بیشتر میدان‌های درون شهر به‌عنوان یک فضای شهری، اغلب، نقش و کارکرد فضایی ارتباطی را نیز دارا بودند. همجواری و در بیشتر موارد، یکی بودن مسیرهای پیاده و سواره موجب می‌شد که میدان‌ها از جنبه کارکردی به‌عنوان یک فضای شهری، محلی مناسب برای انجام بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و گذران اوقات فراغت باشند. میدان‌های طراحی‌شده در گذشته، دارای چهار نمای طراحی‌شده و کامل بودند که معابر متصل به میدان، آنها را نمی‌گسست؛ در این حالت، فضای باز میدان، یک فضای باز مرکزی و کم‌وبیش، مانند حیاط خانه‌ها، محصور بود، به‌صورتی که مردم از لحاظ فضایی، خود را درون یا بیرون آن حس می‌کردند (سلطانزاده، ۱۳۸۲: ۹۲). میدان‌ها در شهرها برحسب ضرورت‌های مکانی و زمانی، نقش و عملکردهایی مختلف به‌خودگرفته‌اند؛ گاهی به‌صورت مکانی برای عرضه کالا بوده، زمانی، فضایی حکومتی و دیوانی یا مذهبی داشته‌اند، در شهرهای دوره اسلامی، میدان اهمیتی ویژه می‌یابد و از این دوره با نقش و عملکردهایی متفاوت مانند تجاری، ورزشی، مذهبی، اداری و حکومتی کارکردهایی متعدد را ایفا می‌کند. میدان‌های اصلی به دلیل ارتباط با مسجد جامع به‌عنوان اصلی‌ترین مکان تجمع مذهبی قرار گرفته، رفته‌رفته نقشی چندمنظوره می‌یابند که همواره حضور مردم، مهم‌ترین عامل زندگی‌بخش آنهاست (<http://www.daneshju.ir>). در دوران معاصر، بسیاری از عملکردهای کلاسیک میدان‌ها به بناها منتقل شده‌اند و به دلیل وضعیت و موقعیت فعلی، نمی‌توان عملکردهای گوناگون و متفاوت اجتماعی دوران گذشته را از آنها انتظار داشت؛ اما امروزه مشاهده می‌کنیم که رفته‌رفته میدان، نقشی مؤثر در مجموعه اندام‌های شهری یافته، تأثیرهایی زیادی را بر شکل‌گیری و سازماندهی فضایی شهر نسبت به دوره‌های تاریخی مختلف به‌انجام رسانده‌است. میدان به‌عنوان فضایی شهری با حضور و مکث معنی‌دار انسان و به‌منظور و مقصودی معین در ارتباط با حرکت جمعیت موجودیت پیدامی‌کند و علاوه‌بر آن، جلوه‌هایی روشن از یک فضای ایجادکننده ارتباط، تماس و فعالیت آدمی را نمایان می‌سازد.

## ۲- مبانی نظری

در این پژوهش از دو سازه نظری موجود در علم جغرافیا، یعنی نظریه پخش و نظریه مک لوهان

که به تأثیر حائز اهمیت رسانه‌ها بر شکل‌گیری افکار عمومی و ذائقه سیاسی و اجتماعی افراد انسانی اشاره دارند، بهره‌گرفته شده است و نیز جنبه نوآورانه [این] پژوهش، تلفیق نظریات موجود در علم جغرافیا با مفهوم نماد و نمادپردازی در علوم اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی است که از این رهگذر، درصدد بررسی علل تبدیل شدن مکان‌هایی شاخص به عنوان نماد اعتراض و آزادی خواهی برآمدیم. اماکن نمادین در مرکز پخش یک پدیده قرار می‌گیرند و پخش یک پدیده از یک مکان شاخص هرچه بیشتر وجه نمادین آن را تقویت می‌کند.

۱-۲- **نظریه پخش:** انتشار و گسترش یک پدیده و یک نوآوری در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان، پخش و تراوش گفته می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۱۱)؛ این مفهوم به وسیله جغرافی‌دان سوئدی به نام تورستن هاگراسترناند به دلیل تدوین و ارائه مدل «پخش نوآوری‌ها» در سوئد مرکزی شناخته شده است (احمدی پور، ۱۳۸۸: ۱۵۵)؛ نظریه پخش یا «اشاعه» یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش طرح‌ها و اندیشه‌هاست؛ هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، در موضوع‌های رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز کم‌وبیش به کار گرفته شده است (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۹)؛ این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم دلیل اشاعه، نحوه گسترش، مسیرها و مجاری پخش آن و هم علل توقف و گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (پیشین: ۴۳). جغرافی‌دانان با توجه به انتشار و گسترش پدیده‌های گوناگون در زمان ما که زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی شدیدی بر بخشی از مردم نواحی جغرافیایی تحمیل می‌کند بر مواردی متعدد مانند اینکه «پدیده‌های جغرافیایی چگونه میان نواحی جریان می‌یابند؟، مراکز اصلی این پدیده‌ها کجاست؟ و چرا پاره‌ای از مراکز، کانون اصلی تراوش پدیده‌ها و نوآوری‌ها محسوب می‌شوند؟» (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۹۱: ۲۲۰) تأکید می‌ورزند؛ درخصوص این نظریه، ریشه‌یابی پدیده‌های سیاسی که در قالب شورش، انقلاب و اعتراض بروزمی‌کنند، اهمیتی بسزا در راستای پی‌بردن به چرایی موضوع دارند. مرکز اصلی بروز تحرک‌های انقلابی مصر، میدان التحریر بود چراکه به صورت نمادین و در طول زمان‌های مکرر، آبتن تجمع و اعتراض‌ها ضد وضع موجود بوده است. در پخش ناحیه‌ای که طی آن اطلاعات، مواد، کالا، مد، امراض، تولیدها و نظایر اینها، از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر می‌رسند و میان جمعیت ناحیه جدید گسترش می‌یابند، گاهی شدت نوآوری‌ها و پدیده‌ها در ناحیه جدید، بیش از خاستگاه اصلی پدیده‌ها و نوآوری‌هاست؛ لذا در این خصوص هرچند کشور تونس، منشأ و مرکز

اصلی این پدیده سیاسی بود، عواملی چند از قبیل «نقش نمادین میدان التحریر و تعمیق خصلت مبارزه و اعتراض در کالبد هویتی این مکان، انسجام و احساس قدرت در میان جمعیت معترض، خواست مشترک معترضان و ...» باعث شدند که شدت انتشار این پدیده سیاسی در مصر بیشتر و سریع‌تر انجام گیرد و میدان التحریر به عنوان نماد اعتراض و عامل انتشار این فرایند به دیگر کشورها تبدیل شود؛ از نگاهی دیگر جابه‌جایی مکانی پخش، مصداق وضعیت موجود در مصر نیست زیرا در قالب این نوع پخش، مکان اصلی پخش اطلاعات، مواد، امراض و نوآوری‌ها به تدریج از اطلاعات، مواد و امراض خالی می‌شود و سرچشمه پخش می‌خشکد، بدین سان که به موازات پخش از مکانی به مکان دیگر، خاستگاه پخش یا تراوش، اهمیت و اعتبار خود را ازدست می‌دهد، درحالی‌که میدان التحریر امروزه روز، نیز نقش خود را به خوبی ایفای کند به صورتی که در جریان اعتراض‌ها به بازداشت مرسی و وقوع برخوردهای میان طرف‌داران و مخالفان او، این میدان کماکان در مرکز این تحکرها قرار داشت؛ به طور کلی این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم دلیل اشاعه، نحوه گسترش، مسیرها و مجاری پخش آن و هم علل توقف و گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۳).

به نظر می‌رسد که در عصر جدید، عناصر فرهنگی، پدیده‌های سیاسی و ابداع‌ها، با بالاترین سرعت ممکن در فضاهای مجازی و رسانه‌ای میان کشورها و قاره‌ها اشاعه و انتشار می‌یابند و بدین صورت، ما زوال فاصله‌های فیزیکی مشاهده می‌کنیم؛ همچنین هر مکانی که بتواند به نماد عمل یا رفتاری تبدیل شود، توانایی و احتمال انتشار آن عمل یا رفتار از آن مکان نمادین چند برابر می‌شود.

**۲-۲- نظریه فشرده‌گی زمان- فضا و دهکده جهانی:** در زمان ما، نگاه ما به جهان به وسایل ارتباطی، وابسته بوده، شناخت ما از جهان، به مبادله اطلاعات، مربوط است. با توسعه رسانه‌های الکترونیکی، جهان به اطاق‌های ما وارد شده است. با یک فشار به دکمه تلویزیون، همه رویدادهایی که در آن سوی جهان رخ می‌دهد در اطاق‌هایمان روی پرده تلویزیون می‌بینیم. ما هم‌اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که *مارشال مک لوهان*، آن را دهکده جهانی می‌خواند. چنان‌که در تلویزیون، ناآرامی‌های کره جنوبی، انقلاب در فیلیپین، تجمع‌های اعتراضی اوکراین، ناآرامی‌های سوریه، فعالیت‌های تخریبی القاعده در سوریه و عراق، اخبار ترورهای سیاسی و ... را به سرعت دریافت می‌کنیم. با رسانه‌های الکترونیکی و قدرت‌یابی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در زندگی واقعی، همه نقاط جهان به داخل زندگی روزمره و قضاوت ما راه یافته‌اند؛ نتیجه آنکه امروزه، در شکل‌گیری تجربیات ما از زندگی و

زیست جهان، رویدادهای دور و نزدیک، سهمی قابل توجه دارند؛ در واقع، رادیوها، تلوزیون‌ها، ماهواره‌ها و اینترنت‌ها، در مردم جهان، نوعی دیدگاه مشترک جهانی به وجود می‌آورند که از آن با عنوان «باورهای عمومی جهان» یاد می‌شود. باورهای عمومی جهان که از طریق رسانه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرد می‌تواند زندانیان سیاسی را آزاد کند، دولت‌ها را ناتوان سازد، گروه‌های سیاسی مخالف را مشروعیت بخشد و به گروه‌های تحت محاصره، امید رهایی دهد؛ این وضع که برای اولین بار در تاریخ جهان دیده می‌شود، نقش مهم عقیده جمعی مردم عادی را در رویدادهای جهانی نشان می‌دهد. بدین سان در جهان امروز، باورهای عمومی جهانی به منزله نوعی نیروی توانمند عمل می‌کند؛ دی‌وی‌دی هاروی از این شرایط با عنوان «فشردگی زمان و فضا، زمان و مکان» یاد می‌کند. قرن بیستم از طریق فناوری ارتباطات و اطلاع‌رسانی، کره زمین را به مکانی کوچک تبدیل کرده است. به گونه‌ای که هر رویدادی که در یک ناحیه اتفاق می‌افتد در نواحی دور و نزدیک تأثیر می‌گذارد (شکوئی، ۱۳۸۸: ۳۱). در جریان تداوم، تقویت و دستیابی انقلاب مصر به پیروزی، نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلفن همراه و ... انکارناپذیر و حائز اهمیت اساسی است؛ این رسانه‌ها موجب شدند که باورهای عمومی جهان به نفع معترضان شکل‌یابند و میدان‌التحریر هر روز بیشتر از دیروز در رأس سطور خبری سایت‌ها و روزنامه‌ها قرار بگیرد؛ این امر، اصلی‌ترین عامل در هویت‌بخشی سیاسی به کالبد فیزیکی میدان‌التحریر به عنوان نماد یک مکان معترض بود. با زایل شدن فاصله‌های فیزیکی یا به قول دی‌وی‌دی هاروی به دلیل فشردگی مکان و زمان، آنچه در میدان‌التحریر می‌گذشت در مدت زمانی اندک، پهنه گیتی از آن باخبر می‌شد؛ تلفن همراه و سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی هم در تحریک ملت به حضور و ملاقات در میدان، نقشی قابل توجه در بسیج افکار و شهروندان ایفا کردند؛ بنابراین در قالب نظریه مک لوهان و فشردگی زمان و مکان، دی‌وی‌دی هاروی نیز این پدیده سیاسی قابل تحلیل است که در یافته‌های تحقیق، این ارتباط بیشتر نمود یافته است.

## پ- یافته‌های تحقیق

### ۱- کارکردهای اماکن شهری

شهرها، کانون قدرت و ثروت هستند و استقرار بخشی عظیم از مراکز، سازمان‌ها و نهادهای حکومتی و دولتی باعث شده شهرها به نقطه ثقل قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک تبدیل شوند (عسگری، ۱۳۸۵: ۷۹)؛ همین مکان‌های کانونی، متشکل از مکان‌های تجلی قدرت و

به تعبیری دیگر، نمادی از شکوه و جلال حکومت‌ها هستند (سلطانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). در تجمع و تراکم این اماکن با کارکردهای متفاوت، نقش دولت‌ها در تهیه طرح‌های شهری، تنظیم چهره عمومی شهرها و ایجاد میدان‌های معماری مانند میدان شهرسازانه، میدان جامعه‌شناسی، میدان اقتصادی و مواردی از این دست، واقعیتی انکارناپذیر است (کریمیان، ۱۳۸۹: ۱۲۲)؛ لذا امکان شهری با کارکردهای متعدد سرزندگی فضای شهری، تسهیل ارتباطات، زنده‌سازی هویت‌های تاریخی، جذب گردشگر و رونق اقتصادی، کارکرد سیاسی و ... در بطن توجه دولت‌مردان و متولیان امر قرار دارد. در ادامه به کارکرد سیاسی اماکن و میادین شهری با تمرکز بیشتر پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱- کارکرد سیاسی مکان‌ها و فضاهای اعتراض: بعضی مکان‌ها به‌ویژه میدان‌ها در فضاهای

شهری در برخی تحول‌های سیاسی، نقش و جایگاهی خاص یافته، به محور و مرکز تحول‌های سیاسی و به‌نوعی به فضای اعتراض تبدیل می‌شوند؛ برای نمونه، میدان تیان‌آن‌من یا دروازه صلح آسمانی، همان مکانی است که اکتبر سال ۱۹۴۱م *مائوتسه تونگ* بر فراز دروازه آن ایستاد و تأسیس چین جدید را اعلام کرد (قاسمی، ۱۳۸۲: ۲۱) *تیان‌آن‌من* به‌عنوان میدان اصلی شهر پکن در ساعات نخستین روز ۴ ژوئن ۱۹۸۹، شاهد تظاهرات بزرگ طرف‌داران دموکراسی بود که توسط نیروهای مسلح سرکوب شد (مکلین، ۱۳۸۱: ۹۵۹). سرکوب جنبش دموکراسی‌خواهی دانشجویان در سال ۱۹۸۹ به مرکزیت میدان مشهور تیان‌آن‌من پکن، حقوق بشر را برخلاف زمان پیش از آن به موضوعی مسئله‌ساز برای جمهوری خلق چین و رهبران اقتدارگرای حزب کمونیست در تعامل‌هایشان با جامعه جهانی، نظام بین‌المللی حقوق بشر و در رأس آن سازمان ملل متحد تبدیل کرد (اسدپور، ۱۳۸۵: ۱)؛ دانشجویان در این واقعه به ناپایداری اقتصادی چین و سرکوب‌های حزب کمونیست و فساد دولتی اعتراض کردند، جنبش تیان‌آن‌من در ۲۲ آوریل همان سال، ظاهر شده بود و دلیل آن، حمایت دانشجویان از یکی از رهبران حزب کمونیست چین، *هوی‌ائوبانگ*، بود که در همین ماه طرح‌هایی جدید را برای گشایش و دموکراسی در حزب مطرح کرده، اما بی‌درنگ از حزب اخراج شده بود؛ به این ترتیب در طول چند روز، جمعیت دانشجویان میدان تیان‌آن‌من به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسید و دو هفته بعد با حضور *می‌خائیل گورباچف* در (۱۶ ماه می) در پایتخت چین، دانشجویان تمایل خود را به دنبال کردن راه روسی در چین اعلام کردند؛ اندکی پس از آن، دولت کمونیست چین با مشاهده سرایت جنبش به سایر اقشار مردم پکن، سرانجام تصمیم گرفت که با سرکوبی خشونت‌آمیز، آن را از میان بردارد؛ این اعتراض‌ها با نیروهایی مسلح که توسط حکومت به پکن فرستاده شدند با قتل عام ۳

هزار دانشجو به شدت سرکوب شد (روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۱: ۱۶). امروزه این میدان به دلیل ایستادگی مادران دانشجویانی که ۲۴ سال پیش، خون فرزندان‌شان در مقابل تانک‌های دولت چین، نقش ماندگار آزادی را بر میدان «تیان‌آن‌من» پکن ترسیم کرد، به عنوان میدانی نمادین که یادآور اهدای جان برای کسب آزادی است، به اذهان و افکار عمومی ملت چین و سایر ملل معرفی شده‌است.

بنابراین به‌نظرمی‌رسد که تمامی مکان‌های جغرافیایی، توان تبدیل شدن به مکانی نمادین را نداشته‌باشند بلکه میادین، اماکن و ابنیه‌ای که در تحول‌های سیاسی - اجتماعی ملت و حافظه تاریخی شهروندان، جایگاهی ویژه دارند و به‌نوعی کارکرد سیاسی - عاطفی آنها بارزتر از سایر کارکردهای آنهاست، دارای این ظرفیت باشند. مکان‌هایی مختلف مانند میدان آزادی و ساختمان آزادی در جریان انقلاب اسلامی ایران، میدان بولونتیایا در مسکو، میدان التحریر در مصر از جمله این اماکن به‌شمارمی‌آیند.

۱-۲- نقش و جایگاه میدان التحریر قاهره در تحول‌های سیاسی - اجتماعی مصر: میدان با ابعاد مختلف معنایی، کارکردی و کالبدی می‌تواند نقشی مهم در ارتقای کیفی فضاهای شهرهای امروز ایفاکند؛ دراین میان، توجه به عوامل مؤثر در دل‌بستگی افراد به میدان‌های شهری می‌تواند نقشی مؤثر در هویت و مطلوبیت میدان‌ها داشته‌باشد (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۷۹). سرچشمه حرکت دومینووار انقلاب‌های اخیر خاورمیانه، از مکان‌هایی مانند شهرهای مسلط یا پایتخت، میادینی مانند میدان التحریر مصر که نماد آزادسازی و همواره محل برگزاری تظاهرات سیاسی بوده‌است نشأت‌گرفت (کیا، ۱۳۹۰: ۱۳). میدان التحریر، بزرگ‌ترین میدان قاهره است که در مرکز این شهر و در شرق رود نیل واقع شده‌است و همانند بسیاری از میدان‌ها، این میدان، کارکردی ارتباطی نیز دارد؛ ازطرفی، موزه مصر؛ در میدان التحریر شهر قاهره قرارگرفته که در آن، مجموعه آثار فراعنه و پانصد هزار قطعه آثار حک‌شده از تاریخ مصر قدیم که قدمت آنها به هزاران سال پیش برمی‌گردد، یافت‌می‌شود؛ این موزه در سال ۱۸۵۸ میلادی تأسیس شد (تکیه‌ای، ۱۳۷۵: ۲۳)؛ به‌نظرمی‌رسد که مکان‌گزینی این موزه در کنار میدان التحریر به کارکرد فرهنگی این میدان، نقشی پررنگ‌تر بخشیده‌است.

این میدان که پیش‌تر اسماعیلیه نام‌داشت، پس از انقلاب ۱۹۵۲ به نام میدان التحریر (به معنی آزادسازی یا نجات) تغییرکرد. تظاهرات سال ۱۹۷۷ که درپی افزایش بهای مواد خوراکی به‌وقوع‌پیوست، در این میدان برگزارشد؛ همچنین، تظاهراتی در سال ۲۰۰۳ میلادی در اعتراض به حمله آمریکا به عراق در این میدان برپا شد در جریان انقلاب ۲۰۱۱ مصر، میدان التحریر به نماد مکان

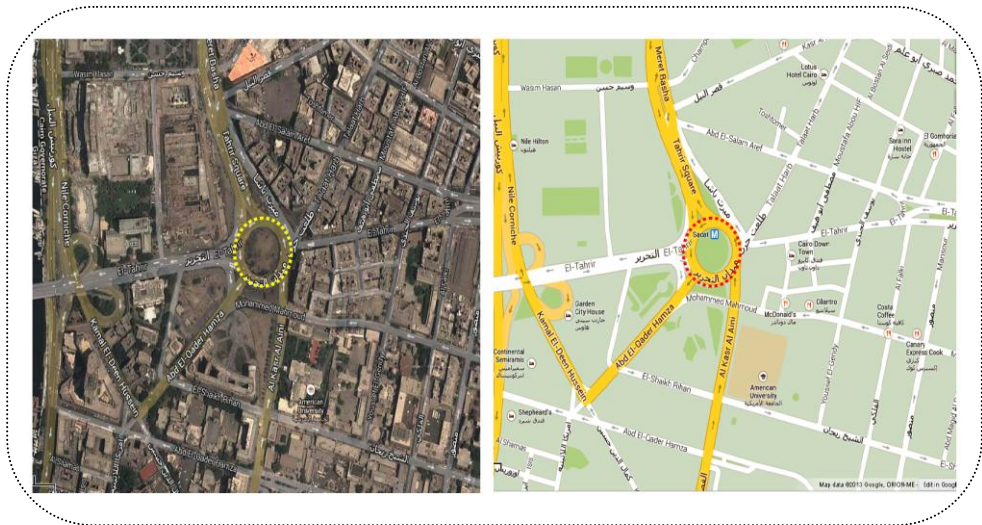
معارض و سمبل مبارزه ضد حکومت حسنی مبارک تبدیل شد؛ از این رو به نظرمی‌رسد که امروزه، کارکردهای متعدد میدان التحریر مصر تحت‌الشعاع کارکرد سیاسی آن قرار گرفته‌است، به‌صورتی‌که این میدان به یک نماد آزادسازی و مخالفت با حکومت‌های دیکتاتوری تبدیل شده‌است؛ گواه این قضیه، آن است که مردمان معترض اروپا و آمریکا و ... به مکان‌های محل تجمع خود، اسم میدان التحریر داده‌اند.

### ۱-۳- عوامل مؤثر در شکل‌دهی میدان تحریر به‌عنوان نماد اعتراض

۱-۳-۱- عامل مرکزیت و در دسترس بودن: میدان التحریر بزرگ‌ترین میدان قاهره است که در مرکز این شهر و در شرق رود نیل واقع شده‌است؛ همانند بسیاری از میدان‌ها، این میدان دارای کارکرد ارتباطی مناسبی است به دلیل اینکه در مرکز اتصال چند خیابان قرار گرفته‌است؛ بدین ترتیب، خیابان التحریر از شرق و غرب، خیابان میرت باشا از شمال و خیابان القصر العینی از جنوب به این میدان، متصل می‌شوند؛ از طرفی به حومه‌ها و نواحی جمعیتی حاشیه‌نشین و فقیر نیز قرابت دارد؛ این کارکرد خوب ارتباطی و عامل دسترسی ساده به میدان باعث شد که این میدان از سوی عموم مردم به‌عنوان مرکز تجمع مخالفان و آزادی‌خواهان پذیرفته‌شده، رفته‌رفته به نماد آزادی‌خواهی تبدیل شود (ر.ک تصویر ۱)؛ بر این اساس می‌توان گفت که میدان التحریر، دارای نقشی کانونی در انتشار امواج سیاسی در درجه اول در داخل پایتخت و در مرحله بعد در داخل کل مصر بوده؛ بدین ترتیب، این میدان به‌عنوان یک کانون توزیع‌کننده، مکان و سرچشمه انتشار امواج اعتراضی مردمان گردآمده در این میدان بود؛ به‌گونه‌ای‌که موج اعتراض به‌راحتی از این میدان به سایر مناطق قاهره و حتی سایر شهرها سرایت می‌کرد؛ علاوه‌براین، همچنان‌که هاگت در نظریه پخش بیان می‌کند، این مکان در جریان اعتراض‌های شهروندان مصری، دارای کارکرد انتشار گسترشی بود؛ انتشار گسترشی، فرایندی است که به‌وسیله آن، اطلاعات، مواد و مانند اینها از یک جا به جای دیگر گسترش می‌یابند؛ در این فرایند، چیزهایی که منتشرشده‌اند در ناحیه اولیه باقی‌مانده، اغلب شدت پیدامی‌کنند (هاگت، ۱۳۸۲: ۹۲). تأثیر عامل مرکزیت و میزان دسترسی را می‌توان با این نمونه شرح داد که اگر سنگی را به درون استخری بیندازیم و پخش امواج آن را نظاره‌کنیم، خواهیم دید که دوایر با دورشدن از نقطه اثر، به‌تدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند؛ به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد و ابداع‌ها به‌طور عمیق‌تر و نافذتری در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ پذیرفته‌خواهند شد و با

دور شدن از آن کاهش می‌یابد (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۵۰۶).

در توضیح نقش کانونی میدان‌ها در شکل‌گیری تجمع‌های مردمی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که خیابان‌ها اغلب به یک میدان یا یک محل فرهنگی و رسانه‌ای منتهی می‌شوند که در آنجا با پیوند خوردن جمعیت، اعتراض و شورش گسترش می‌یابد و اخبار به مرزهای محیط منتشر می‌شوند. چنان‌که میدان التحریر که در مرکز توجه مطبوعات، ایستگاه‌های تلویزیون، هتل‌های خارجی و گردشگران و روزنامه‌نگاران و حتی ترمینال‌های اتوبوس بود، توانست شورش‌ها و قیام‌های معترض و ناراضی را به خود جلب کند؛ از طرفی این فضاهای اعتراض و مکان‌های معترض اعم از «خیابان، میادین، مساجد و ...» دارای جامعه‌شناسی مختص خودشان هستند؛ ترکیبی از ویژگی‌های مکانی اجتماعی مختلف؛ آنها مکان‌هایی هستند که یک جمعیت، پیش از اینکه مجبور شوند پراکنده و متفرق شوند، می‌توانند به آسانی و سریع در آنجا گرد هم آیند؛ بنابراین مجاورت و نزدیکی یک دانشگاه (مانند دانشگاه تهران) یا یک مسجد بزرگ (مانند مسجد الازهر قاهره) یا تفرجگاه، کتابفروشی و محل برگزاری تئاتر که جمعیت روشن‌فکر را جلب می‌کنند، همگی مکان‌های دارای ظرفیت ناراضی و شورش هستند؛ از همین رو، مجاورت قصر النیل در قاهره و خیابان‌های کلمه العرب با کتابفروشی‌ها و کافه‌های روشن‌فکری مانند کافه تاریخی ریچه که انقلاب ۱۹۵۲ مصر در آن برنامه‌ریزی شد، زمینه را برای ورود جمعی روشن‌فکران در میدان التحریر مصر فراهم آورد (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).



تصویر ۱. موقعیت کانونی میدان التحریر و قابلیت دسترسی مناسب آن



علاوه بر عامل مرکزیت جغرافیایی، عامل دسترسی نیز نقشی مهم در تبدیل میدان التحریر به کانون مخالفت با نظام سیاسی داشت. از اساس، عامل دسترسی، نقشی بسیار مهم در مکان‌گزینی جمعیت و فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، ارتباطی دارد و وجوه مختلف ساختار فضایی و کالبدی شهر، اعم از ساخت شهر، بافت شهر، اندازه شهر و نقش و اهمیت مرکز شهر، به‌طور کامل از عامل دسترسی تأثیری پذیرند (بوالحسنی، ۱۳۸۲: ۸۶). دسترسی به‌عنوان یکی از محورهای عملکردی برای شکل فضایی شهرها مطرح است. نظریه پردازان معاصر، دسترسی و ارتباطات را جزو امتیازهای اصلی مناطق شهری دانسته، اغلب نظریه‌های مربوط به پیدایش و عملکرد شهر نیز، آن را مسلم برشمرده‌اند (لینچ، ۱۳۷۴: ۲۶۳). در بحث دسترسی، موضوع امنیت معترضان و عدم گرفتارشدن آنها با نیروهای حکومتی نیز بسیار اهمیت دارد؛ به‌عبارت دقیق‌تر، این‌گونه مکان‌ها که به‌عنوان کانون تجمع معترضان انتخاب می‌شوند، بایستی دارای یک فضای قابل‌مانور باشند. جایی که معترضان بتوانند از دست پلیس بگریزند و درعین حال که فضاهای باز دارد به‌واسطه کوچه‌های باریک، مغازه‌ها و خانه‌ها، محاط شده، فرصت یا پناهگاهی برای پناهندگی انقلابیون فراهم کند. شگفت‌انگیز نیست که میدان التحریر قاهره، میدان انقلاب تهران و میدان تقسیم استانبول، همگی با پیچ و خم‌ها، خیابان‌های کناری و کوچه‌های باریک احاطه شده‌اند؛ جایی که فراری‌های سیاسی می‌توانند در موقع تعقیب پلیس، مخفی شوند (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۶۹)؛ بر این اساس، دو مؤلفه «مرکزیت و دسترسی مناسب»، نقشی مهم در انتخاب میدان التحریر به‌عنوان کانون تجمع مخالفان حکومت داشته‌است.

۱-۳-۲- تراکم و تجمع جمعیت: جمعیت یا انسان‌های ساکن در مکان و فضای جغرافیایی، یکی از عناصر و ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهند. جمعیت و انسان‌ها به‌مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کنند. مکان بدون جمعیت به مکان بی‌روح شباهت دارد. انسان آنچنان به مکان وابسته می‌شود که از حد روابط مادی با مکان فراتر رفته، با آن، روابط عاطفی برقرار می‌کند و مهر مکان در دلش جای باز کرده، مکان برای او ارزش و قداست معنوی پیدامی‌کند (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۹). اگر از لحاظ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، یک فضای جغرافیایی، دارای ساختاری گسیخته باشد، این وضعیت در شکل‌گیری واحدهای کوچک‌تر فضایی و قلمروهای فرهنگی متفاوت مؤثر بوده، جمعیت را به اجزای متفاوت از هم تقسیم می‌کند (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۵۱)؛ از طرفی، ازدیاد جمعیت، تراکم شهرها و صنعتی شدن هرچه بیشتر جوامع، پیامدهایی مثبت و منفی، (هر دو) را به‌همراه دارند (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۰). توزیع جمعیت در مصر از وضعیت رود نیل تبعیت می‌کند. از آنجاکه

نخستین و مهم‌ترین منبع ثابت در زندگی مصریان «رود نیل» است، وضعیت تراکم جمعیت به‌گونه‌ای است که حدود ۹۹ درصد جمعیت آن کشور در کرانه‌های آن رود که ۳/۵ درصد خاک مصر را شامل می‌شود زندگی می‌کنند (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۰۴)؛ به دلیل چنین تراکم جمعیتی در مصر که به‌طور تقریبی، همه جمعیت ۸۰ میلیونی آن در دره نیل اقامت‌دارند، فقرا می‌توانستند میدان‌های فرودگاه‌های خصوصی ساکنان قصرهای اشرافی دوستان رئیس‌جمهور را نظاره‌کنند؛ مرسدس‌های مجلل آخرین مدل، ناچار بودند از کنار فاضلاب‌های روباز و مردمی که در گورستان‌ها زندگی می‌کنند، عبورکنند و این، در حالی است که جمعیت مصر در سال ۲۰۰۹ براساس گزارش بانک جهانی، ۸۳ میلیون نفر بوده‌است و در همین سال، تولید ناخالص داخلی کشور، حدود ۱۸۸ میلیارد دلار آمریکا بوده که با درآمد سرانه معادل ۲۲۷۰ دلار، درزمره کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط قرار می‌گیرد و نرخ تورم در سال ۲۰۰۹ نیز، ۱۱/۸ درصد گزارش شده‌است (رشیدی، ۱۳۹۰: ۴۴)؛ با این حال همان‌طور که *هانا آرنز* می‌گوید: نامرادی در ازمیان برداشتن تبعیض‌ها و اختلاف‌های طبقات و ناکامی در حل کردن مسائل سیاسی می‌تواند به انقلاب بینجامد (یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۳)

شواهد نشان می‌دهند که در یک دهه اخیر، طبقات متوسط جدید به دلیل وضعیت نامناسب بازار مسکن به طرف حومه شهر مانند محله‌های «عین شمس» و «ایمبابا» کشیده شده و اجتماع‌هایی غیررسمی و ناهمگون را ایجاد کرده‌اند؛ این محله‌های شهری که نقطه آغاز جنبش‌های اخیر مصر ضد حسنی مبارک بوده‌اند از لحاظ جغرافیایی، شرایطی مناسب برای شورش و ایجاد جنبش‌های ضدحکومتی دارند؛ این مراکز جمعیتی نزدیک میدان التحریر بوده، به دلیل بسته‌بودن فضای مجاور، نظارت شدید پلیس را نیز باعث نمی‌شوند (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۷۱)؛ بر این اساس، تراکم جمعیت در کرانه‌های رود نیل که موجب آگاهی شهروندان از فاصله طبقاتی و عامل تسهیل‌کننده برقراری ارتباط و تجمع در میدان التحریر بود در نمادین جلوه‌دادن میدان تحریر به‌عنوان نماد آزادی و مبارزه ملت مصر، مؤثر افتاد.

**۱-۳-۳- نقش رسانه‌ها و فضای مجازی:** رسانه و فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی که در کنترل دولت قرار نداشتند، عاملی بسیار مهم بودند که به سرعت میدان التحریر را به کانون انقلاب و مرکز تجمع میلیونی مردم، نه تنها در داخل شهر قاهره و کشور مصر بلکه در سراسر جهان معرفی کردند. امروزه اگرچه محدودیت فاصله‌ها به‌طور کامل حذف نشده، جریان سرمایه، کالا، خدمات، فناوری، ارتباطات و اطلاعات به‌طور فزاینده‌ای، کنترل دولت بر مکان و زمان را

تضعیف کرده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹۷)، شبکه‌های اطلاعاتی، نقاط دوردست را با یکدیگر مرتبط می‌کنند؛ این شبکه‌ها گروه‌های مختلف سراسر جهان را در کمترین زمان ممکن به بهترین شکل به یکدیگر پیوند می‌دهند و افراد می‌توانند دانش و تخصص خود را با یکدیگر مبادله کنند، به مشاوره بپردازند و خلاقیت‌های خود را آشکار سازند. رشد سریع رسانه‌های جدید این امکان را فراهم آورده است که اطلاعات در زمینه موضوع‌های مختلف به شکل الکترونیکی و در حجم بسیار بالا مبادله شوند (اشرفی ریزی، ۱۳۸۶: ۶۳).

با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی اطلاعاتی، مانند اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی، رایانه، ویدئو و ... در چند دهه واپسین سده بیستم، انقلابی عظیم در عرصه ارتباطات دوربرد و الکترونیک با برد جهانی رخ داد؛ در میان این فناوری‌ها، ماهواره و اینترنت، شاخص‌ترین و اصلی‌ترین آنها شناخته شده‌اند به طوری که در چند دهه اخیر، تأثیرهایی بسیار شگرف بر حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولت‌ها و ملت‌ها به جای گذاشته‌اند و به واسطه همین تأثیر، قلمرو و مرزهای دولت‌ها در سطوح گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم‌رنگ شده و تاحد زیادی آسیب‌پذیر شده‌اند (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۹۴). کانال‌های ارتباطی، مانند گسترش اینترنت و ماهواره‌ها اجازه می‌دهند که خبر تحول‌ها در یک کشور با سرعت به کشورهای دیگر انتشار یابد.

مصر، بیشترین کاربران اینترنتی را در میان کشورهای عربی دارد؛ گذشته از این، بیش از ۸۰ درصد جمعیت این کشور، تلفن همراه دارند که شاید راه سریع‌تر و مهم‌تر تماس در مقایسه با فیس‌بوک باشد؛ همچنین شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای نظیر «الجزیره و العربیه» نیز در گسترش و صادرات تفکر تغییر، نقشی مهم را ایفا کردند (Alanoud, ۲۰۱۱)؛ بر این اساس، رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی با به اشتراک‌گذاردن تصاویر و فیلم‌هایی از تجمع‌های اعتراضی میدان التحرير، به‌عنوان ابزارهایی کارساز برای انتشار اخبار و اطلاعات و هماهنگی و سازماندهی اعتراض‌ها و تسهیل‌کننده این جنبش عمل کردند و زمینه را برای افزایش نسل جدید مشارکت سیاسی (اغلب)، توسط جوانان استفاده‌کننده از این رسانه‌ها فراهم آوردند در پی ناآرامی‌های مصر، ملت با دعوت مخالفان برای تظاهراتی میلیونی در میدان التحرير قاهره تجمع کردند و تنها در یکی از تظاهرات ۵۰۰ نفر دستگیر و به زندان، روانه شدند. فعالان سیاسی مصر با انتشار بیانیه‌هایی در صفحه‌ای از فیس‌بوک به نام «همه خالد هستیم» از ملت مصر درخواست کردند پس از نماز جمعه در اعتراض به شرایط موجود در تظاهراتی میلیونی و سراسری ضد دولتی شرکت کنند (براری، ۱۳۹۱: ۲۰۹). هرچند مقام‌های امنیتی

کشور مصر سعی داشتند این فضای مجازی را کنترل کنند، چندان موفق نبودند؛ بنابراین به نظرمی‌رسد عواملی مانند مزیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، دیپلماسی مجازی، عدم توان تأثیرگذاری بُعد فاصله در کم‌رنگ کردن و گُند کردن امواج جنبش اعتراضی شهروندان مصری از نقطه کانونی میدان التحریر، در تبدیل شدن این میدان به نماد مکانی برای اعتراضی، نقشی بسزا داشته‌اند.

### ۱-۳-۴- سوابق کارکردی ارتباطی - تاریخی و سیاسی میدان تحریر: مکان، بافتی مناسب برای

شکل‌گیری هویت‌های سیاسی و بازشناسی علایق سیاسی فراهم‌می‌سازد و بدین لحاظ، فعالیت‌های سیاسی را می‌توان حول محور مکان، سازماندهی و تجهیزکرد. هر مکانی از طریق جریان‌هایی گسترده‌تر از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ساخته‌می‌شود و لازم نیست یک مکان دارای مقیاسی خاص و مشخص باشد، بلکه می‌تواند هرچیزی، از خیابان تا حتی یک قاره را دربرگیرد (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). مکان به‌عنوان محملی برای قرار یافتن و به‌آرامش‌رسیدن، بخشی از هستی انسان را شکل‌می‌دهد که منبع اصلی هویت و امنیت فردی و جمعی تلقی‌می‌شود. هویت مکان، بخشی از هویت وجودی انسان و مکان را با نام «هویت مکانی» تشکیل‌می‌دهد که رابطه عمیق‌تر از صرف‌بودن یا تجربه‌کردن آن مکان است. فضاهای تجربه‌شده بخشی از هویت مکانی را به‌دست‌می‌دهند که شخص، طی زمان برای خود قائل می‌شود؛ این هویت مکانی، خود، تصویری مستقل در ذهن فرد می‌شود که بخشی از زیرساخت‌های هویت فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند؛ این شناخت‌ها شامل خاطرات، طرح‌ها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، مفاهیم و ایده‌ال‌های رفتاری و تجربی انسان درخصوص محیط‌های متنوع و پیچیده فیزیکی هستند که فضای تجربی انسان اعم از ادراک و رفتار را به‌وجودمی‌آورند. به عقیده پروشانسکی اگر شرایط بیرونی که فرد در معرض آن قرارمی‌گیرد و تصور ذهنی وی که در واقع، سطح انتظار او را نشان‌می‌دهد یکسان نباشند، شخص تلاش‌می‌کند از راه‌های مختلف، این انطباق را به‌وجودآورد و نظام ذهنی خود و فضای بیرون را به‌تعداد برساند (رضازاده، ۱۳۸۵: ۲۳۶)؛ اینها مکان‌هایی هستند که افراد در آنها ساکن بوده، به‌طور مکرر در حال رفت‌وآمد در آنها هستند؛ این‌گونه مکان‌ها دربرگیرنده عمیق‌ترین معانی بوده، کانون تعلق‌های عاطفی و احساسات بسیار قوی هستند (Chow, Healey, 2008: 336).

بررسی‌ها نشان‌می‌دهند که روابط انسان‌ها با مکانی که در آن زندگی می‌کنند، بسیار پیچیده بوده، چنین رابطه‌ای عمیق‌تر از صرف‌بودن در آن مکان یا مواجهه با آن مکان است؛ به‌گونه‌ای که آن را

می‌توان به «خودهمانی با مکان» تعبیر کرد (Wester-Herber, 2004: 111). یکی از مهم‌ترین تأثیرها و طبقات محیط، مسئله تعلق مکانی است که تا حدود زیادی با هویت مکان، به‌طور تنگاتنگی ارتباط دارد. تعلق مکانی، پیوندی عاطفی است که افراد با مناطقی ویژه برقرار می‌کنند؛ مکان‌هایی که افراد ترجیح می‌دهند در آنها اقامت کنند و در این مکان‌ها نیز آرامش و امنیت را احساس می‌کنند (Hernandez & Others, 2007: 310) و مکان به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود (صفایی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۰). با سرایت سریع جریان سقوط *زی‌ن‌العابدی‌بن‌علی*، دیکتاتور حاکم بر کشور تونس، به مصر و عبور آن از میدان التحریر قاهره، سرنگونی زودهنگام حسنی مبارک، دیکتاتور حاکم بر کشور مصر رقم خورد (رشنو، ۱۳۹۰: ۱۴۱). معترضان، میدان‌های شهرها را به محل بیان درد دل‌های همگانی تبدیل کردند؛ در واقع میدان‌ها میعادگاه توده‌ها، زن و مرد، پیر و جوان و پایین‌دست و بالادست بودند (دهشیار، ۱۳۹۰: ۴)؛ میدان التحریر هم به‌عنوان یک مکان با کارکرد سیاسی و ارتباطی قوی، به لنگرگاه روانی ملت مصر تبدیل شد و از آنجاکه میادین شهری، همواره به‌عنوان مهم‌ترین ظرف فضایی زندگی جمعی در فضای باز شهرها، نقشی بسیار والا در جذب مردم و حضور آنها و نیز ارتقای کیفیت حضور انسانی در شهرها داشته‌اند (دانش، ۱۳۹۰: ۷۱)، میدان التحریر با توجه به موقعیت قرارگیری و تراکم جمعیت در پایتخت مصر، نقش ارتقای کیفیت حضور انسانی و جذب نیروهای معترض را به‌خوبی ایفا کرد؛ همچنین، سوابق کارکرد سیاسی میدان التحریر در جریان انقلاب سال ۱۹۵۲، تظاهرات سال ۱۹۷۷ در پی افزایش بهای مواد خوراکی، تظاهرات سال ۲۰۰۳ در اعتراض به حمله آمریکا به عراق، هویت اسمی این مکان و نقش پررنگ این میدان در انقلاب سال ۲۰۱۱، در کنار سایر کارکردهای ارتباطی، فرهنگی از طرفی و نقش رسانه‌های مجازی و ماهواره‌ای و تلویزیونی از طرف دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار تبدیل میدان التحریر به نماد آزادی و نجات به‌شمار می‌روند.

۱-۳-۵- موقعیت قرارگیری میدان التحریر در پایتخت مصر: در همه کشورها، اغلب شهرهای بزرگ یا پایتخت‌ها، با ارائه نقش کانونی، سیستم ملی شهرهای ناحیه‌ای را به‌وجود می‌آورند؛ این قبیل شهرها، از جهات تجاری، مالی، فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی و پخش اطلاعات، بخش‌هایی وسیع از یک کشور را تحت پوشش خود درمی‌آورند (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در جغرافیای سیاسی، اگر به عوامل «سرزمین، دولت و ملت» به‌عنوان سه رکن بنیادین کشور نگریسته می‌شود، بی‌تردید، پایتخت به‌عنوان مرکز هدایت دولت و گرانگاه نیروی محرکه آن دارای اهمیتی بالا است (احمدی‌پور، ۱۳۸۶: ۵). پایتخت، مهم‌ترین عنصر در ساختار سیاسی فضا است با کارکرد و هویت

سیاسی - اداری و نیز کارکردهای اقتصادی، تجاری، فرهنگی؛ این واحد فضایی - سیاسی صرف‌نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای آن، با توجه به اینکه کانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت به حساب می‌آید و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی فضا دارای موقعیت ترجیحی است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است؛ در همین راستا، پایتخت، دارای اختیارهایی ویژه در ورای اختیارهای سایر واحدها و عناصر تقسیم‌های کشوری است که آن را از دیگر واحدهای تقسیم‌های کشوری متمایز می‌سازد (ولی قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱)؛ برای نمونه، شهر تهران دارای یک موقعیت کانونی است که زمینه دسترسی به همه نقاط کشور را دارد و در مقام پایتخت با کارکرد ملی، مهم‌ترین مرکز سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی ایران به‌شمار می‌رود؛ از چنین منظری، آن را می‌توان هارتلند ایران دانست (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۱۳۶). قاهره به‌عنوان نخستین شهر و پایتخت کشور مصر که بزرگ‌ترین شهر آفریقایی و همچنین بزرگ‌ترین شهر در جهان عرب بوده است که بر ساحل رودخانه نیل واقع شده است، دارای جمعیتی حدود ۱۵ میلیون نفر با حومه است که به‌نظر می‌رسد قاهره را نیز می‌توان هارتلند کشور مصر دانست چراکه حدود ۹۹ درصد جمعیت آن کشور در کرانه‌های رود نیل و شهر قاهره زندگی می‌کنند که ۳/۵ درصد خاک مصر را شامل می‌شود (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۰۴)؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد از آنجاکه میدان التحریر نیز در مرکز قاهره قرار گرفته است و قاهره نیز هارتلند کشور مصر است، روند تبدیل شدن این مکان به نماد آزادی و حق‌طلبی، آسان شده است.

همچنین با توجه به اینکه در پخش سلسله‌مراتبی، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شوند و گسترش می‌یابند و طرح‌ها از یک «فرد مهم» به فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابند، بنابراین، فرایند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس یا مد آرایش سر یا کالاهای مصرفی جدید، نظیر رایانه، یا عقاید و ایدئولوژی‌ها از پایتخت به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستا و به‌صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شود (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۳۱۶). موقعیت جغرافیایی در کنار عوامل دیگر به مصر، جایگاهی مرکزی یا «ابر نیروی عربی» داده است. ملک عبدالعزیز پیش از مرگ به فرزندش می‌گوید: سلامتی تمام اعراب درکل می‌تواند از روی سلامتی مصر تشخیص داده شود. اگر مصر، مریض شود، تمام جهان عرب مریض می‌شوند (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۰۶)؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد از آنجاکه میدان التحریر در کشور مصر، دارای جایگاه رفیع سیاسی، فرهنگی، تاریخی و استراتژیکی است و همچنین در مرکز شهر

قاهره (به‌عنوان پایتخت و نخستین شهر مصر و بزرگ‌ترین شهر آفریقایی و همچنین بزرگ‌ترین شهر در جهان عرب)، قرار گرفته‌است، این عوامل در کنار موقعیت نسبی این مکان، در تبدیل شدن آن به نماد آزادی و نماد یک مکان معترض، به‌طور چشمگیری تأثیر داشته‌است.

## نتیجه‌گیری

مکان‌های جغرافیایی برحسب موقعیت، ویژگی‌ها، تاریخچه، دارای نقش و کارکردهایی گوناگون هستند به‌طوری‌که هریک از فضاهای شهری مانند عبادتگاه‌ها، مراکز تجاری و بازارها، مراکز اوقات فراغت و پارک‌ها، مراکز علمی، فرهنگی، تئاترها، کتابفروشی‌ها، دانشگاه‌ها، میدان‌ها و فضاهای عمومی شهر و ... دارای کارکردهایی ویژه هستند که به آنها هویت می‌بخشند. میدان‌ها از جمله فضاهای شهری هستند که می‌توانند دارای کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی، توریستی و ... باشند. در میان فضاهای شهری، میدان‌ها با توجه به موقعیت مرکزی و دسترسی‌های مناسبی که برای آنها وجود دارد، به‌طور عمده، کارکردهایی متنوع دارند؛ یکی از کارکردهای میادین در بیشتر شهرهای جهان و به‌خصوص پایتخت‌ها، کارکرد سیاسی آنهاست؛ بدین ترتیب که میدان‌ها در جشن‌های ملی، کارناوال‌ها، رژه‌های نظامی و سایر برنامه‌هایی که با محوریت حکومت برگزار می‌شوند، به محل تجمع مردم تبدیل می‌شوند؛ در مقابل در برخی زمان‌ها، این میادین به محل تجمع معترضان به حکومت و مخالفان نظام سیاسی تبدیل می‌شوند؛ در چنین شرایطی، حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا به هر نحو ممکن به مقابله با این تجمع‌ها پرداخته، مانع کارکرد سیاسی این مکان‌ها شوند؛ حال آنکه این فضاهای شهری، جنبه‌ای نمادین و سمبلیک پیدا کرده، به کانون پایدار تجمع‌های سیاسی و ضدحکومتی تبدیل می‌شوند. میدان آزادی در تهران، میدان التحریر در مصر، میدان تیان‌ان‌من در پکن، میدان لؤلؤ در بحرین، میدان استقلال در استانبول و ... از جمله این فضاهای شهری هستند که به‌عنوان کانون تجمع معترضان به نظام سیاسی، جنبه نمادین پیدا کرده، کارکرد سیاسی برجسته‌ای داشته‌اند؛ نقش و تأثیر این فضاهای نمادین در بروز انقلاب‌های مردمی تاحدی است که بعضی حکومت‌ها همانند بحرین به‌کلی این میادین را تخریب کرده‌اند.

میدان التحریر قاهره، از جمله فضاهای شهری است که اگرچه در دو یا سه مقطع زمانی محدود، طی حدود چهار دهه کارکرد سیاسی پیدا کرده‌بود، به دلیل وجود یک نظام سیاسی مستبد در کشور مصر، مجالی برای حضور مخالفان حکومت در آن وجود نداشت. پس از انقلاب مردمی در کشور

تونس و بروز اولین جرقه اعتراض مردمی در کشور مصر، میدان التحریر قاهره به سرعت به کانونی برای حضور معترضان و مخالفان حکومت و همچنین به فضایی نمادین برای تجمع مردم و مقابله با حکومت و گرفتن حقوق ملت تبدیل شد. عواملی مختلف مانند موقعیت مرکزی میدان التحریر، دسترسی مناسب این میدان برای ورود سریع و همچنین پراکنده شدن معترضان، ویژگی‌های جمعیتی مناطق اطراف میدان، معرفی سریع این نماد به جهان از طریق فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی و جلب توجه مردم جهان به این مکان و ... به تقویت کارکرد سیاسی این مکان و نمادین شدن آن به عنوان میدان اعتراض و کانون تجمع معترضان منجر شد؛ به نحوی که کارکرد سیاسی میدان التحریر قاهره و حوزه تأثیرگذاری آن، خصالتی فراملی و فرامنطقه‌ای پیدا کرده است. به گونه‌ای که معترضان بحرینی، قصد مبدل ساختن میدان لؤلؤ به مثابه میدان التحریر را داشتند تاجایی که حکومت بحرین، تنها راه نجات را تخریب میدان دانست. در فوریه ۲۰۱۱ هزاران تن در میدان لؤلؤ در مرکز منامه گردآمدند و آنجا را به کانون اعتراض‌ها تبدیل کردند؛ اما در ماه مارس، نیروهای دولتی، با پشتیبانی تانک و چرخ‌بال، به عملیاتی گسترده برای راندن اعتراض‌کنندگان از میدان لؤلؤ دست زدند (حمیدی، ۱۳۹۰: ۴۵)؛ همچنین، خیابان وال استریت در آمریکا و میدان ترافالگار در لندن به میدان التحریر ملقب شدند. سخن پایانی اینکه میدان التحریر با توجه به معنای آن که «آزادی و نجات» است، امروزه به نماد اعتراض، دموکراسی خواهی و مبارزه ضد حکومت در جهان تبدیل شده است.

## فهرست منابع

### ۱- منابع فارسی

- احمدی‌پور، زهرا و علی ولی قلی‌زاده (۱۳۸۶)؛ «تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک؛ سال سوم، ش ۳، پاییز.
- اسدپور شش‌بهره، مهرداد (۱۳۸۵)؛ تعامل چین با نظام بین‌الملل حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر (استاد راهنما: دکتر بهرام مستقیمی، استاد مشاور: دکتر نسرین مصفا)؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اشرفی ریزی، حسین و زهرا کاظم‌پور (۱۳۸۶)؛ جغرافیای سیاسی اطلاعات (فاصله‌های بی‌فاصله)؛ تهران: انتشارات چاپار.



- افضلی، رسول و وحید کیانی (۱۳۹۱)؛ «قدرت مکانی: نقش و جایگاه مکان‌های خاص به‌عنوان نماد و سمبل تحولات سیاسی»، *مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*؛ ج ۱، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- براری، اباذر (۱۳۹۱)؛ «تحلیلی از وضعیت مصر در سال ۲۰۱۱ و روندهای آتی»، *دیپلماسی صلح عادلانه*؛ مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ش ۶، بهار ۲۰۱۲.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ «چهارچوبی مفهومی برای فهم تحولات سیاسی مصر»، *دو فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*؛ سال نهم، ش ۲۲، بهار و تابستان.
- ----- (۱۳۸۲)؛ «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علوم انسانی*؛ سال پنجم، ش ۸، بهار و تابستان.
- بوالحسنی، مهناز (۱۳۸۲)؛ «اثر دسترسی و محدودیت دسترسی بر ساختار فضایی - کالبد شهر»، *فصلنامه مدیریت شهری*؛ ش ۱۴، تابستان.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۰)؛ *نماد در اساطیر: فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*، کتاب ماه هنر؛ مرداد و شهریور.
- بهمنی، پردیس و الیاس صفاران (۱۳۸۹)؛ *سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران*؛ تهران: انتشارات پیام نور.
- بیانلو، یوسف و محمدکریم منصوریان (۱۳۸۵)؛ «رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*؛ سال ششم، ش ۲۲، پاییز.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۹۱)؛ *نظریه‌های شهر و پیرامون*؛ ج ۷، تهران: انتشارات سمت.
- پوراحمدی، حسین و سید رسول حسینی کرانی (۱۳۸۸)؛ «ژئوپلیتیک کشورهای نفتی خلیج فارس و چالش‌های جهانی شدن اقتصاد»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*؛ سال پنجم، ش ۱، بهار و تابستان.
- پیتر، هاگت (۱۳۸۲)؛ *جغرافیای ترکیبی نو*؛ ترجمه: شاپور گودرزی‌نژاد؛ ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات سمت.

- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۶): *فرهنگ جغرافیای سیاسی*؛ چ ۱، تهران: نشر انتخاب.
- تامپسون، جان ب (۱۳۸۰): *رسانه‌ها و مدرنیته*؛ ترجمه: مسعود اوحدی؛ تهران: انتشارات سروش.
- تکیه‌ای، مهدی (۱۳۷۵): *مصر، مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی*؛ تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- جردن تری و لستر راونتری (۱۳۸۰): *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*؛ ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی؛ انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- جونز، مارتین و همکاران (۱۳۸۶): *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی*؛ ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری؛ چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹): *سیاست و فضا*؛ مشهد: انتشارات پاپلی.
- حمیدی، محمدمحسن (۱۳۹۰): «ناآرامی در بحرین؛ درخواست اصلاحات یا انقلاب؟»، *مجله سیاسی - اقتصادی*؛ ش ۲۸۴، تابستان.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱): *نقش مدیریت سیاسی در همگرایی و واگرایی اقوام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی (استاد راهنما: دکتر هادی اعظمی)؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شهریور.
- دانش، جابر و امیر طیبی (۱۳۹۰): «کیفیت حضور در میدین شهری با تأکید بر نمونه‌های سنتی ایرانی»، *فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی*؛ ش ۴، تابستان.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۰): «بهار عرب شورش بر مدرنیته وارداتی»، *مجله سیاسی - اقتصادی*؛ ش ۲۸۳، بهار.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸): «رسانه و فرهنگ‌سازی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*؛ دوره دوم، ش ۸.
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۹۲): «رویکردها و علایق ژئوپلیتیک در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*؛ سال نهم، ش ۱، بهار.

- رشیدی، رامین (۱۳۹۰): «بررسی وضعیت تکافل در کشور مصر»، *تازه‌های جهان بیمه*؛ سال سیزدهم، ش ۱۵۴، فروردین.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۵): *رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید*؛ ج ۱، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸): *تاریخ صدر اسلام*؛ تهران: انتشارات سمت.
- سجاذزاده، حسن (۱۳۹۲): «نقش دلبستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری، باغ نظر»، *فصلنامه علمی - پژوهشی هنر معمار و شهرسازی نظر*؛ سال دهم، ش ۲۵، تابستان.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸): «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*؛ سال شانزدهم، ش ۴.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۸۲): «شروع شکل‌گیری میدان‌های معاصر»، *فصلنامه معماری و فرهنگ*؛ سال پنجم، ش ۱۵ و ۱۶.
- سلطانی، علی و احمد نامداریان (۱۳۸۹): «بررسی تأثیر نیروهای مختلف در شکل‌گیری فضای شهری»، *نشریه هویت شهر*؛ سال پنجم، ش ۷، پاییز و زمستان.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵): *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*؛ ج ۹، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- ----- (۱۳۸۸): *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*؛ ج ۶، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- طاهرخانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱): «ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*؛ ش ۹، بهار.
- عسگری، محمود (۱۳۸۵): «ارکان و الزامات دفاع شهری»، *فصلنامه مطالعات بسیج*؛ سال نهم، ش ۳۱، تابستان.
- فوردهام، فریدا (۱۳۴۶): *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ*؛ ترجمه مسعود میربها؛ تهران: انتشارات اشرافی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳): *انسان‌شناسی شهری*؛ تهران: نشر نی.

- فیاض، ابراهیم، حسین سرفراز و علی احمدی (۱۳۹۰)؛ «نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*؛ دوره چهارم، ش ۴.
- قاسمی، اصغر (۱۳۸۲)؛ «تیان‌آن‌من؛ قتل عام خاکستری»، *دو ماهنامه گزارش*؛ ش ۱۴۹، دی و بهمن.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)؛ *چالش‌های توسعه سیاسی*؛ چ ۵، تهران: انتشارات قومس.
- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات، قدرت هویت*؛ ترجمه: چاوشیان و خاکباز؛ تهران: انتشارات طرح نو.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹)؛ *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلانتری، حسین و هانیه اخوت (۱۳۹۰)؛ *برنامه‌ریزی منظر شهری*؛ چ ۱، تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.
- کریمیان، حسن (۱۳۸۹)؛ «نمادهای فرهنگی در مناظر شهری: بیان معنا، حس هویت و آرامش روحی»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*؛ ش ۷۴، زمستان.
- کیا، علی‌اصغر و عبدالصمد محمودی (۱۳۹۰)؛ «نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس»، *مجله سیاسی - اقتصادی*؛ ش ۲۸۳، بهار.
- لطفی، صدیقه و عبدالحمید محمدی (۱۳۹۱)؛ «بررسی ارتباط نمادهای شهری با هویت شهر (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا برنامه‌ریزی منطقه‌ای*؛ سال دوم، ش ۲، بهار.
- لینچ، کوین (۱۳۷۴)؛ *سیمای شهر*؛ ترجمه دکتر منوچهر مزینبی؛ چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹)؛ *طراحی فضای شهری*؛ ترجمه فرهاد مرتضایی؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، وابسته به شهرداری تهران.
- محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۸)؛ *فضا و مکان در طراحی شهری*؛ تهران: انتشارات هله/طحان.

- مک لین، ایان (۱۳۸۱)؛ *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*؛ ترجمه دکتر حمید احمدی؛ چ ۲، تهران: نشر میزان.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)؛ *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*؛ ترجمه دره میرحیدر؛ چ ۱، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرحیدر، دره و حسین حمیدی‌نیا (۱۳۸۶)؛ «کالبدشکافی نقشه و نقش آن در اعمال قدرت و القای سیاست»، *نشریه علوم جغرافیایی*؛ ج ۶، ش ۸ و ۹، بهار و تابستان.
- وزیرنیا، سیما (۱۳۸۱)؛ «جایگاه نماد در نظام اندیشه یونگ»، *فصلنامه فرهنگستان هنر*؛ ش ۴.
- ولی قلی‌زاده، علی (۱۳۸۷)؛ تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (به راهنمایی دکتر زهرا احمدی‌پور)؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- یوسفی، محسن (۱۳۹۰)؛ «انقلاب‌های عربی: مسئله اجتماعی یا مسئله سیاسی»، *مجله سیاسی-اقتصادی*؛ ش ۲۸۴، تابستان.

## ۲- منابع انگلیسی

- Berten, H. (1995), *The Idea of postmodern*, London: Routledge.
- Bonnemaïson, Joel (2005), *Culture and Space, Conceiving a New Cultural Geography*, Edited by Chantal Blance – pamard, Maud Lasseur and Christel Thibault, Translated by Joseepenot- Demetry, I.B. Tauris & CO. Ltd, London.
- Chow, Kenny, Healey, Mick (2008), *Place attachment and place identity: First – year undergraduates making the transition from home to university*, *journal of Environmental Psychology*, 28.
- Hernandez, Bernardo, Hidalgo, M. Carmen, Salazar, Laplace, M. Esther, Hess, Stephany (2007). *Place attachment and place identity in natives and non-natives*, *journal of Environmental Psychology*, 27.
- Oxford university Press (1997), *Oxford Wordpower, Dictionary for Learners of English*.
- Wester-Herber, misse (2004), *Underlying concerns in land-use conflicts-the role of place-identity in risk perception*, *Environmental Science & policy*, 7.

### ۳- منابع الکترونیکی

- Alanoud al sharekh, (2011) :Reform and rebirth in the middle east, Survival , April -May 2011, <http://www.informaworld.com/terms-and-conditions-of-access.pdf>

## Analysis of the Role and Function of Cities' Symbol Places in Political Changes (Case Study: Altahrir Sq. in Egypt)

Zarghani, S.H.<sup>1\*</sup>  
Heidari, J.<sup>2</sup>  
Yari, M.<sup>3</sup>

Received on: 08/06/2014  
Accepted on: 03/07/2014

### Abstract

Place is a part of geographical space and a base for establishment of social relations. Each place is unique according to its specific properties, functions and history. Meanwhile, some places find symbol identity due to their especial historical events and properties and this identity would be maintained in the minds and moved to the other generations. For example Azadi Tower in Tehran and Savior Christian Church in Moscow are symbol for faithfulness and love to the paternal land and country. Altahrir Sq. is the biggest square in Cairo, eastern side of Nile River. Due to dictator regime in the last 30 years, there was not space for political communities. Despite this fact, this square has had two or three political function. In 2011, incredible presence of people in this square made its name spread all over the world as a symbol for protest against dictatorship as wall street protests in United states replaced wall street name with American Altahrir and protests in London changed Trafalgar Square to Altahrir. This is descriptive-analytic survey which follows the reasons for this square to become a symbol for protest against dictatorship and cruelty. Findings indicated that some factors had crucial role including pivotal role in the past political changes, dominance of its political function to its social one, its easy access, injection of political function spirit from media.

**Keywords:** Urban symbol places, Squares' political function, Egypt's Altahrir Square, Revolution.

---

1\* . Associate professor of political geography, Ferdowsi University of Mashhad.

(Corresponding Author: h\_zarghani@um.ac.ir)

2 . Ph.D student of political geography, Kharazmi University of Tehran.

3 . Ph.D student of geography and urban planning, Payam Nour University, Tehran.